

بحران محیط زیست

علل و عوامل و راه حل آن از دیدگاه اسلام



از نشرات حزب التحرير

بحران محیط زیست؛
علل و عوامل و راه حل آن از دیدگاه اسلام

چاپ اول انگلیسی

۱۴۳۰ ه.ق - ۲۰۰۹ م

چاپ اول دری

۱۴۴۲ ه.ق - ۲۰۲۰ م

این رساله توسط حزب التحرير - دنمارک تهیه و ترتیب شده است



www.ummatproduction.com

کابل - افغانستان

فهرست مطالب

- مقدمه ۱
- واقعیت بحران محیط زیست ۸
- راه حل نظام سرمایه‌داری به بحران محیط زیست از پیمان ... ۱۰
- ۱- آنگاه که بحران محیط زیست به پرسش عرضه و تقاضا مبدل شد ۱۰
- غلو و زیاده روی در ارزیابی و تعیین سهمیه‌ها ۱۳
- ۲- میکانیزم‌های توسعه پاک ۱۴
- وضع محدودیت بر کشورهای در حال توسعه ۱۶
- نظام سرمایه‌داری؛ عامل اصلی بحران محیط زیست ۱۸
- جهان‌بینی اسلام ۲۱
- نظر اسلام درباره محیط زیست ۲۵
- ۱- روایات در باب حفاظت از آب: ۲۸
- ۲- روایات در مورد دور نمودن اشیایی مضر از راه: ۲۹
- ۳- روایات در باب محصولات، غلات و نباتات: ۲۹
- ۴- روایات در باب ترحم بر حیوانات و پرندگان: ۳۰
- مخالفت اسلام با آسیب رساندن و آن چه به آن می‌انجامد ۳۲
- دولت خلافت و حفاظت از محیط زیست ۳۵
- ۱- قاضی حاسبه (قاضی نظارت) ۳۶
- ۲- قاضی حل منازعات و خصومت‌ها ۳۷
- ۳- قاضی مظالم ۳۸
- جهانی شدن بحران محیط زیست ۳۹

۴۱ راه حل واقعی بحران‌های جهانی

۴۳ در فرجام این درخواست را به امت اسلامی راجع می‌سازیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ

يَرْجِعُونَ﴾ [روم: ٤١]

ترجمه: (همیشه چنین بوده است که) تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار شده که مردم انجام می‌داده‌اند. بدین وسیله الله سزای برخی از کارهایی را که انسان‌ها انجام می‌دهند بدیشان می‌چشاند تا این‌که آنان (بیدار شوند) و از دست یازیدن به معاصی) برگردند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

مسئله محیط زیست در چند دهه اخیر چنان توجهی جهانیان را به خود جلب کرده است که هرگز بشر در طول تاریخ خود شاهد آن نبوده است. بحران محیط زیست، برخاسته از نتایج منفی انقلاب صنعتی و استفاده نادرست انسان از منابع طبیعی می‌باشد؛ یعنی بحران فعلی محیط زیست که جهان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، از انقلاب صنعتی غربی سرچشمه گرفته است. اکنون جهانیان هراس دارند که با گذشت هرروز شرایط و مشکلات محیط زیست خراب‌تر و بدتر می‌شود.

یکی از داغ‌ترین بحث‌های بحران محیط زیست، پدیده‌های تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی است. این نگرانی تنها به یک کشور مختص نمی‌شود؛ بلکه نگرانی کل جهان است. چون تمام مناطق و کل کشورها از آن متأثر شده‌اند. اما درین اواخر، موضوع گرمایش جهانی به پیمانه زیاد قابل توجه جهانیان بوده است. تاکنون چندین کنفرانس علمی، نشست‌های بین‌المللی و مجمع‌های گوناگون به این هدف راه‌اندازی شده است تا علل گرمایش جهانی را بررسی نمایند و تدابیر لازم را جهت رسیدگی به این مسئله روی دست گیرند و کشورهای مختلف را وادار سازند تا برای مقابله با این پدیده همکاری‌های خویش را توسعه بخشند.

سازمان دهندگان چنین نشست‌ها، به راه‌حلی دست یافته و توافق‌نامه‌هایی را به امضا رسانده‌اند. براساس این توافق‌نامه‌ها، کشورها مکلف اند تا جهت مقابله با این مشکل، از روش‌های استفاده کنند که توازن معیارهای زندگی و نیازمندی به منابع طبیعی انسان را حفظ نمایند. از طرف دیگر، مشکل تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی نیز حل گردد. کنفرانس کوپنهاگن تا اکنون یکی از بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین کنفرانس‌ها است که

به هدف مقابله با گرمایش جهانی در کشور دنمارک از تاریخ ۷ الی ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹م برگزار شده بود. در این کنفرانس، سران کشورها، نمایندگان عالی رتبه دولت‌های مختلف، جمع بزرگ از متخصصین، محققان و آگاهان محیط زیست اشتراک کرده بودند.

این کنفرانس، به گردهمایی تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد معروف است و بزرگ‌ترین همایشی است که جهت بحث و تصمیم‌گیری درباره مشکلات اقلیمی و محیط زیست برگزار شده است. در هفته اول، مباحث اساسی صورت گرفت و بالای اهداف تاکید شد. در هفته دوم نمایندگان و رؤسای ۱۹۲ کشور جهان در آن شرکت کردند و راهکارهای سیاسی و راهبردی را مورد بررسی قرار دادند.

اگر به کنفرانس‌ها، بحث‌ها، تعهدات، راه‌حل‌های پیشنهادی، توافقات، تحقیقات و مطالعاتی که به خاطر حفظ محیط زیست از طرف دانشمندان و متفکرین غربی برگزار شده، دیده شود. روشن خواهد شد که آن‌ها از شروع در مسیر اشتباه به پیش می‌روند. چون همه محدود به علایم و دلایل ناهماهنگی بین محیط زیست، علل و انگیزه‌های فوری آن؛ مثل: گازهای گلخانه‌ای متمرکز بوده که بحث روی محیط زیست در چنین سیاق، جو زمین و نقش صنعت را متاثر می‌سازد. درحالی که این عوامل، نتایج مشکل است، نه ریشه مشکل. به همین دلیل تاکنون کدام پیشرفت مهمی در این بخش به دست نیامده است. معالجه و تشخیص مشکل تا زمانی که دقیق درک نشود، هر نوع پیشرفت و راه‌حل، فاقد نتیجه‌ی محسوس خواهد بود.

به نظر ما علت اصلی مشکل محیط زیست، در تولیدات، پیشرفت‌های تکنولوژی و بهره‌برداری از منابع طبیعی نیست. چون الله سبحانه و تعالی زمین و ما فہیا را در خدمت انسان قرار داده تا از آن استفاده‌ای درست و معقول نماید. او سبحانه و تعالی از انسان خواسته تا برای امرار معاش خود در زمین کشت و زراعت نماید. انسان از مال و متاع دنیا برای رفع نیازمندی‌های خود از قوانین طبیعت - آب و هوای زمین - استفاده کند تا به طریقه مشروع شکمش را سیر نماید. هم‌چنان به خاطر زندگی بهتر وسایل مختلف را اختراع و

کشف نماید. بشر برای سالیان زیادی در این کره‌ی خاکی زندگی کرده و از هر آن چه در این خاک نهفته بود، استفاده کرده است. بدون این که به کمبود، ناهماهنگی و بحران مواجه شود. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ. وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ. وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ

مَعْلُومٍ﴾ [حجر: ۱۹-۲۱]

ترجمه: ما زمین را گسترانیده‌ایم و در زمین کوه‌های استوار و پابرجایی را پدید آورده‌ایم. همه چیز را به گونه‌ای سنجیده و هماهنگ و در اندازه‌های متناسب و مشخص در آن ایجاد کرده‌ایم. در آن اسباب زندگی و مایه‌ی ماندگاری شما و کسانی را آفریده‌ایم که نمی‌توانید روزی رسان ایشان باشید. چیزی وجود ندارد؛ مگر این که گنجینه‌های آن در پیش ماست و جز به اندازه‌ی معین و مشخصی آن را فرو نمی‌فرستیم.

پس به باور ما بحران محیط زیست ابعاد فکری و ایدیولوژیک دارد که برخاسته از طرز تفکر نظام سرمایه‌داری است. تطبیق نظام اقتصادی سرمایه‌داری سبب بحران محیط زیست گردیده است. بزرگ‌ترین مسئولیت این بحران، به دوش انقلاب صنعتی است که در غرب به وجود آمد؛ یعنی بحران فعلی محیط زیست، ناشی از انقلاب صنعتی غرب است. جهان غرب هنوز هم به شکل بی‌باکانه به این انقلاب ادامه می‌دهد و بقیه جهان از آن تقلید می‌کند. غرب چارچوب‌های فکری، فرهنگی و بنیان‌های ایدیولوژیک را طرح نموده که بر انقلاب صنعتی و دست‌آوردهای آن مسلط است. این انقلاب بر اساس همین چارچوب‌های فکری به پیش می‌رود.

فرهنگ غرب کاملاً مادی‌گرا و منفعت‌محور است و فلسفه هستی آن برجدايي دين از زندگي بنا شده است. اين فرهنگ به پيروانش دستور مي‌دهد تا دين را از تمام امور زندگي خود دور نمايند. فرهنگ غرب مردم را به طرف جوهر اصلي اش (آزادي) دعوت مي‌کند که آزادی ملکیت و آزادی فردی بخش از آن است.

در فرهنگ غرب، معیار عمل منفعت است و بس. پس انسان غربی معتقد است که سعادت و خوشبختی اش به استفاده اعظمی از لذت‌های شهوانی بسته گی دارد. هم چنان این فرهنگ، مشکل اقتصادی را ناشی از کمبود مواد و خدمات می داند. هدف و تعریف دولت را به حفاظت از آزادی‌های انسان خلاصه کرده و به انسان محدود العقل، حق تقنین را داده است.

از نتیجه حاکمیت این ایدئولوژی است که بحران‌های مختلف دامن گیر بشر می شود. باورهای نهفته در فرهنگ غربی بحران آفرین است و سرچشمه همه مشکلات بشری من جمله بحران محیط زیست در جهان بینی غرب نهفته است. پس این جهان بینی، انسان‌ها، جوامع و دولت‌ها را به سوی تباهی و بربادی سوق می دهد.

فرهنگ غربی فردی به جامعه تقدیم می کند که او هرگز تابع خدا و محاسبه اخروی نبوده، بی باکانه هر چه دلش خواست آن را انجام می دهد. این فرد، تنها مرز منفعت مادی را می شناسد و بس. به خاطر به دست آوردن ثروت، مال و لذت‌های مادی، آخرین تلاش خود را انجام می دهد. مرز معنویت، اخلاق، انسانیت و دین را نمی شناسد.

فرهنگ غرب، جوهر انسانیت را از بشر گرفته و انسان را از نیازها و ارزش‌های معنوی اش دور ساخته است. بنابراین، در موجودیت هم چو عقاید، حرص انسان‌ها اشباع ناپذیر می شود. چون این فرهنگ، انسان‌های حریصی را به جامعه تقدیم می کند که تمام حقوق حقه‌ای دیگران را زیر پا کرده، هیچ مرز معنویت و ارزشی را نمی شناسند. هم چنان آن‌ها فکر می کنند که مصارف خدمات و امتعه‌ی شان غیرقابل کنترل است. چون معتقد شده‌اند که بدون هیچ نوع نیاز هر چه را که خواسته باشند، جمع کنند. همین اکنون بسیاری از فامیل‌ها در غرب هستند که بیش از حد وسایلی؛ مثل: اسباب برقی، لباس، محصولات تزینی، آرایشی و زیبایی ... زیادی را جمع کرده‌اند که حتی به بعضی از آن‌ها هیچ نیازی ندارند.

بر علاوه، محصولاتی را که جمع کرده‌اند، همیشه به تولیدات جدید به خاطری تبدیل می‌کنند که مدل جدید آن به بازار آمده، مُد و فیشن آن گذشته و یا این که دیگر نیازی به آن نیست. پس به همین سادگی این مصارف گزاف را متقبل می‌شوند و به بهانه‌های ساده و ناچیز مال اندوزی می‌کنند.

به همین دلیل، جوامع غربی معروف به جوامع مصرفی است که تأثیرات برخاسته از این مصارف گزاف و غیرضروری بالای محیط زیست را جدی نمی‌گیرند؛ یعنی مصارف بی‌جا و گزاف آن‌ها سبب آلودگی محیط زیست شده است. اگر حس همدردی و همکاری در جهان‌بینی غربی وجود می‌داشت، این فامیل‌ها کمی از مصارف‌شان را به فقرا و نیازمندان کمک می‌کردند.

اساس فرهنگ غربی در بُعد اقتصادی به این باور استوار است که معیار موفقیت و پیشرفت اقتصادی تنها به تولیدات ناخالص داخلی و رشد اقتصادی ارتباط دارد. پس مشکل اقتصادی هم ناشی از کمبود مواد و خدمات است. از این رو، راه حل بحران‌هایی اقتصادی را تنها افزایش تولیدات می‌داند و دولت‌ها را مکلف می‌سازد که بیشتر روی تولیدات ناخالص داخلی و رشد اقتصادی خود توجه کرده و آن را به حد نهایی برسانند که توجه به حفظ محیط زیست اصلاً در آن جای ندارد.

نظر به دلایل فوق، امروز بسیاری از کمپنی‌های صنعتی و تولیدی به شکل بی‌رحمانه از منابع طبیعی بهره برده و مقدار زیادی از محصولات خود را به بازار عرضه می‌کنند تا حرص اشباع‌ناپذیر انسان‌ها را مرفوع کنند. آن‌ها به هیچ وجه در فکر تعبات مخرب برخاسته از روند تولید این محصولات نیستند. به جز پول و مادیات به هیچ چیز دیگری توجه ندارند، حتی به محیط زیست!

این کمپنی‌ها دولت‌های متبوع و ملل عقب‌مانده را تابع ساخته تا منابع اقتصادی خود را به دست آورند. بر علاوه، کمپنی‌های بزرگ غربی بالای بزرگ‌ترین نهادهای تقنینی و قانون‌گذاری کشورهایشان نفوذ گسترده داشته و از آن‌ها به خاطر تأمین منافع

خود استفاده می‌کنند. پس آن‌ها به هیچ‌وجه نگران نتایج خطرناک اعمال سودجویانه خود نیستند. در واقع، همین برنامه‌های خطرناک سودجویانه‌ای کمپنی‌هاست که انسان‌ها، حیوانات و نباتات را متضرر ساخته و در گُل محیط زیست را تخریب کرده‌اند.

غربی‌ها به این دیدگاه رسیده‌اند که همواره بین پیشرفت و محیط زیست یک نوع تقابل وجود دارد؛ یعنی فکر می‌کنند که میان پیشرفت و توجه به محیط زیست تضاد و ناهماهنگی وجود دارد. فلذا مسائل محیط زیست را فدای پیشرفت و ترقی اقتصادی می‌کنند. در حالی که این دیدگاه به صورت گُلی اشتباه است. پیشرفت و رفاه اقتصادی هرگز مخالف محیط زیست نیست. پس هر نوع راه‌حلی که بر اساس این دیدگاه استوار باشد، محکوم به ناکامی است و بیشتر از پیش بر مشکل می‌افزاید.

وجود چنین دیدگاه، باعث شده است که راه‌حل‌های پیشنهادی سیاسیون غربی به ناکامی بانجامد؛ چون بر اساس این دیدگاه آن‌ها هرگز به مسئله بحران محیط زیست علاقه نشان نمی‌دهند. پس تعهدات، توافق‌نامه‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی کنفرانس‌های: کیوتو، پلان اقلیمی اتحادیه اروپا، کنفرانس سازمان ملل به خاطر حل مشکل تغییرات اقلیمی در شهر کوپنهاگن دنمارک، نتیجه اساسی ندارد و تا هنوز مشکل محیط زیست حل نگردیده و باید قیمت تمام ناهنجاری‌ها، نابسامانی‌ها و بحران‌های ناشی از محیط زیست و گرمایش جهانی را کمپنی‌های بزرگ غربی بپردازند.

زمان آن فرارسیده که انسان‌ها درک کنند که نفوذ و تسلط فرهنگ غربی بر جهان و تطبیق نظام سرمایه‌داری سبب بحران‌ها و مشکلات مختلفی مثل: فقر، گرسنگی، استعمار، جنگ‌های خانمان‌سوز، قتل‌های دسته‌جمعی، بحران‌های اقتصادی، روی کار آمدن رژیم‌های استبدادی و دیکتاتوری موردحمایت غرب در جهان اسلام و سایر کشورهای عقب‌مانده گردیده و می‌گردد. پس سو استفاده از محیط زیست و بحران‌های ناشی از آن به صورت عموم ثمره‌ای تطبیق نظام سرمایه‌داری است.

امروز بشر در یک مرحله کاملاً حساس قرار دارد و ادامه حاکمیت نظام سرمایه‌داری

برجهان، مسلماً که بشریت را به سوی یک سونامی ویرانگر و فاجعه بار غیرقابل پیش بینی سوق می دهد. بحران های گوناگون معاصر را که شاهد آن هستیم میراث ایدئولوژی سرمایه داری است که واپسین نفس های خود را می کشد و تنها با سرکوب بی رحمانه سایر ملل و افکار آن ها به حیات خود ادامه داده است.

اما دیدگاه اسلام به صورت کلی متفاوت است. راه حل اسلامی کاملاً ضامن پیشرفت اقتصادی، ثبات و توسعه تمام بشر است و اسلام هرگز محیط زیست را قربانی منفعت چند نفر معدود نمی کند. امت اسلامی اگر اراده ی قوی داشته باشد، توان این را دارد تا مسیر زندگی بشر را بر اساس راه حل اسلامی دگرگون سازد. انسان را دوباره به مسیر انسانیت و عقلانیت بازگرداند. با این کار، هم آرامش و آسایش را برای انسان فراهم سازد و هم به طبیعت و محیط زیست احترام می گذارد. چون حفاظت از محیط زیست و طبیعت ارتباط مستقیم به بقای حیات بشر دارد.

در این رساله سعی شده تا به شکل فشرده واقعیت راه حل های پیشنهادی مجامع بین المللی به شمول کنفرانس تغییرات اقلیمی در شهر کوپنهاگن دنمارک بررسی گردد تا تفاوت دیدگاه اسلام با نظریات نظام سرمایه داری در خصوص مسئله محیط زیست، رفاه و رشد اقتصادی واضح گردد.

واقعیت بحران محیط زیست

تعریف محیط زیست یا طبیعت، عبارت از اصطلاحی است که شامل تمام موجودات حیه و غیرحیه می‌شود که در روی زمین و ماحول و اطراف انسان‌ها زندگی می‌کنند. انسان‌ها از قدیم‌الایام شاهد تاخت‌وتاز و تخریب محیط زیست بوده‌اند؛ اما در چند سال اخیر به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی، دولت‌ها و کمپنی‌های بزرگ غرب به شکل مستقیم و غیرمستقیم به تخریب جنگلات و دریاها دست یازیده و بسیاری از حیوانات وحشی را از بین برده‌اند. در اثر فعالیت‌های آن‌ها بسیاری از گونه‌ها منقرض شده که سرانجام سازمان‌های مدافع و حفاظت از حیات حیوانات در غرب به میان آمد. این سازمان‌ها خواهان توقف انقراض نسل حیوانات شدند. به همین منظور تجمعات و راه‌پیمایی‌های گسترده‌ای را برگزار نمودند.

در این روزها، میلیون‌ها تن زباله از کشورهای صنعتی غربی به کشورهای جهان سوم انتقال داده می‌شود. در واقع این امر به یک تجارت پرسود مبدل شده است. واقعیت این است که بسیاری از زمین‌ها و دریاها کشورهای صنعتی غربی آلوده شده و مقدار عظیمی از زباله‌ها را که به خارج انتقال می‌دهند زهرآگین و سمی است؛ مانند: بطری‌ها و سرب‌ها که تأثیر مستقیم بر سیستم عصبی انسان‌ها دارد. تمام این اقدامات منتج به مرگ بسیاری از کارگران در این بخش شده و هم‌چنان تعدادی زیادی در کشورهای جهان سوم به امراض گوناگون مبتلا شده‌اند.

اما بحث محیط زیست و تغییرات اقلیمی که در رسانه‌ها و محافل سیاسی غربی‌ها جریان دارد، سبب سوءفهم، فراموشی و نپرداختن به اصل قضیه محیط زیست شده است. اکنون بحث تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی، سبب شده تا به بسیاری از مشکلات فعلی محیط زیست پرداخته نشود.

بنابراین نباید بحث به مسئله تغییرات اقلیمی و کاهش انتشار کاربن خلاصه شود؛ بلکه باید بحث اصلی به طرز دید و عملکرد شرکت‌ها و کمپنی‌های بزرگ غربی متمرکز شود که بالای انسان‌ها تأثیرات مخرب دارد. کاهش میزان انتشار گاز کاربن دای اکساید به هوا و درعین حال آلوده شدن جهان به اشکال گوناگون هرگز دردی را دوا نمی‌کند و نه هم از بحران محیط زیست جلوگیری می‌کند!

جهان سوم از آلوده شدن زمین‌ها، دریاها و ابحار خویش از سوی کمپنی‌های بزرگ غربی رنج می‌برد. پس بحث‌های علمی و ساینسی محض که اکنون در خصوص رفتار افراد عادی جریان دارد؛ به خاطر منحرف ساختن افکار عامه صورت می‌گیرد. ما علاقه‌مند بحث علمی در این جا نیستیم؛ چون دانشمندان، متخصصین و محققین و سازمان‌های مدافع محیط زیست متکی به حمایت مالی کمپنی‌های بزرگ غربی استند تا آن‌ها را در عرصه تحقیق پیرامون مسائل محیط زیست تمویل مالی نمایند.

صحت و سقم تحقیق، مطالعات و بررسی دانشمندان زیر پرسش قرار گرفته و دچار گمانه‌زنی می‌شود، البته به‌ویژه زمانی که هم‌چو مطالعات و تحقیقات به نفع کمپنی‌های بزرگ غربی بانجامد. پس باید روی پرسش‌های اساسی ذیل تحقیق، غور و بررسی شود: چگونه می‌توان از تهدیدات بحران محیط زیست جلوگیری کرد؟ علت اصلی مسیبات اساسی بحران‌های محیط زیست چی و چه کسانی هستند؟ مسؤول و مقصر اصلی کیست؟ آیا درست است تا رشد اقتصادی به قیمت تباهی و ویرانی حیات بشر و محیط زیست تمام شود؟

راه حل نظام سرمایه‌داری به بحران محیط زیست از پیمان کیوتو تا پانزدهمین کنفرانس اعضای متعهد به کنوانسیون ((COP۱۵)

۱- آنگاه که بحران محیط زیست به پرسش عرضه و تقاضا مبدل شد

باید درک کنیم که سیستم میزان مبادله و تجارت انتشار کاربن جزء لاینفک پروتوکول کیوتو و نظام میزان مبادله و تجارت انتشار اتحادیه اروپا می‌باشد. یعنی اکنون انتشار کاربن به هوا که باید کاهش یابد به یک تجارت پرمفعت مبدل شده که توسط سیستم‌های یاد شده به پیش برده می‌شود. هم‌چنان اگر جوانب ذی‌دخل به توافق رسیدند، شامل پیمان جدید منعقد در کنفرانس تغییرات اقلیمی در کوپنهاگن نیز می‌شوند. بر اساس این طرح، تمام کشورهای متعهد مکلف استند تا مقدار کل انتشار و صدور گاز کاربن خویش را فاش نمایند. پس این کشورها مجبور اند تا مقدار فاش شده را به اندازه فیصدی توافق شده کاهش دهند.

این اقدام طوری صورت می‌گیرد که مقدار سهمیه کاربن‌دای اکساید تعیین شده بالای کمپنی‌های تمام کشورهای متبوع تقسیم می‌گردد. پس از سهمیه بندی، از تمام کمپنی‌ها خواسته می‌شود تا به مرور زمان انتشار و صدور کاربن به هوا را کاهش دهند تا این‌که انتشار کاربن کشور مربوط به سطح تعهد شده‌ای آن کاهش یابد. سپس تمام کمپنی‌های کشورهای متعهد در کشورهای خود شان دوره‌م جمع شده و روی سهمیه کاربن‌دای اکساید خویش بحث می‌کنند تا سهمیه دولت کاهش یابد یا این‌که سهمیه مازاد خویش را در بازارهای جهانی به سایر کمپنی‌ها به خاطر تولیدات بیشتر به فروش برسانند. اکنون کاربن‌دای اکساید به یک کالای تجارتي مبدل شده که قیمت آن مطابق قاعده «عرضه و تقاضا» در بازار تعیین می‌گردد. نیکولاس استرین-یکی از اقتصاد دانان اسبق بانک جهانی- در خصوص سیستم مبادله و تجارت انتشار کاربن این‌گونه تبصره

نموده است: «بزرگ‌ترین شکست بازار که تا هنوز جهان به خود دیده است.»

تمام تعهدات و توافقات مربوط به تغییرات اقلیمی، موضوع را به نیروی بازار واگذاشته تا بحران محیط زیست را حل و فصل نماید. در توافقات کیوتو و سیستم مبادله و تجارت اتحادیه اروپا به صراحت حقوق ملکیت به تمام کمپنی‌ها داده شده تا محیط زیست را آلوده سازند.

هدف از میکانیزم‌های سیستم مبادله و تجارت میزان انتشار کاربن که بخش پیمان کیوتو و برنامه اتحادیه اروپا و پروگرام باران اسیدی ایالات متحده امریکا می‌باشد، این است تا حقوق ملکیت آلوده سازی محیط زیست توسط کمپنی‌ها را خصوصی سازند. زیرا این اقدام برای اکثریت کشورها و کمپنی‌های صنعتی و تولیدی در غرب فایده می‌رساند. نیکولاس استرین اضافه می‌کند: «اساس تجارت انتشار سهام دولتی اعطای حقوق ملکیت به منتشر کنندگان است که سپس به آن‌ها اجازه می‌دهد تا آن را تجارت نمایند.» مشکل محیط زیست ابعاد تازه‌ای به خود گرفته؛ چون حالا آلودگی به یک حق مبدل شده که کمپنی‌ها می‌توانند آن را حاصل و دوباره به فروش برسانند. تمام توافقات، تعهدات و پیمان‌ها به کمپنی‌ها حق ملکیت آلوده سازی محیط زیست را می‌دهد؛ اما در مقابل کمپنی‌ها مکلف نیستند تا هیچ قیمتی در این مورد بپردازند.

بر اساس آنچه در فوق گفته شد، کاربن دای اکساید به یک کالا و محصول تجارتي مبدل شده که از خود بازار مستقل دارد که معروف به بازار کاربن است. بنا بر گزارش که در سایت (Pointcarbon.com) منتشر شده مجموع انتشار کاربن در جهان از ۱,۶ میلیارد تُن در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۲,۷ میلیارد تُن در سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است؛ یعنی حدود ۶۸ درصد بالا رفته است. هم‌زمان با این، فروش سهام انتشار کاربن دای اکساید در این مدت نیز به شکل بی سابقه افزایش یافته است.

در سال ۲۰۰۶، سود تجارت فروش سهام انتشار کاربن دای اکساید بالغ به ۳۳ میلیارد دلار می‌شد که این مقدار در سال ۲۰۰۷ بیشتر از ۶۰ میلیارد دلار بود که تقریباً سود تجارت

آن ۸۰ درصد افزایش داشته است. در همین حال، تجارت فروش سهام انتشار کاربن دای اکساید در سال ۲۰۰۸ از مرز ۱۱۸ میلیارد دلار گذشت. بدین معنی که تجارت سهام انتشار کاربن دای اکساید با وجود بحران اقتصادی رو به رشد بوده است.

پس جای تعجب نیست که کمپنی‌های بزرگ غربی که مسئول و مقصر اصلی آلودگی هوا و محیط زیست شناخته می‌شوند، خواهان همین سیستم هستند؛ چون این سیستم به آن‌ها این حق را می‌دهد تا دست به آلودگی آب، هوا و خاک بزنند و به شکل آزادانه در این عرصه به تجارت خویش ادامه دهند.

پس سیستم میزان مبادله و تجارت انتشار کاربن، حقوق ملکیت آلودگی را برای تمام کمپنی‌های ثروتمند و مقتدر غربی تضمین نموده است. به همین دلیل کمپنی‌های بزرگ غربی دست به آلودگی آب، هوا و خاک می‌زنند.

نظام سرمایه‌داری حقوق ملکیت آلودگی را برای کمپنی‌ها تنظیم نموده همان طوری که این نظام حق استخراج نفت، ذغال سنگ و دیگر منابع طبیعی را برای این کمپنی‌ها هموار ساخته است. چنین تنظیمات سبب شده تا مقدار عظیم ثروت و منابع در دست چند فرد سرمایه‌دار و متنفذ جمع گردد.

پس به اساس هم‌چو تنظیمات، سیستم اعطای حق آلوده سازی منتج به انحصارگرایی می‌شود که تنها در خدمت کمپنی‌های بزرگ قرار می‌گردد و بس. موجودیت همین کمپنی‌ها شدیدترین ضربات را بر پیکر محیط زیست وارد نموده و باعث ایجاد بحران در این زمینه شده است.

• غلو و زیاده روی در ارزیابی و تعیین سهمیه‌ها

توزیع سهمیه‌ها که از طرف یک کشور خاص صورت می‌گیرد، همواره مورد غلو و زیاده روی قرار گرفته است که منتج به اعطای سهمیه مازاد کاربن دای اکساید به کمپنی‌ها می‌گردد. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۰۵، یک سوم سهمیه کاربن دای اکساید را که بالغ به

۹۷,۶ میلیون تُن می شد به یک کمپنی بزرگ انرژی چکی اعطا گردیده و گفته شد که دولت آن را به کمپنی مزبور واگذار کرده است. اما در سال ۲۰۰۴، حجم انتشار کاربن دای اکساید دولت جمهوری چک ۹۰ تُن بود که در بین سال های ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۷ دولت چک از اثر فروش سهمیه کاربن دای اکساید خویش ۱۸۷ میلیون دالر به دست آورد.

مارتین رومن، مدیرعامل کمپنی CEZ)) گفت که شرکت اش مقداری هنگفت پول را به دلیل فروش سهمیه کاربن دای اکساید خویش به دست آورد. چون در آن زمان قیمت ها بالا بود سهمیه خویش را به فروش رساند تا سود بیشتر به دست بیاورد. بعداً که قیمت ها پائین آمد کمپنی مزبور سهمیه خویش را دوباره خرید تا تولیدات ذغال سنگ را افزایش دهد.

پس این است واقعیت تمام کشورهای متعهد به کنواسیون کیوتو و سیستم میزان مبادله و تجارت انتشار کاربن اتحادیه اروپا و سایر پیمان ها. هم چنان، حتی بعضی اوقات اگر کمپنی ها تصمیم می گیرند تا روی تکنالوژی های جدید سرمایه گذاری نمایند تا انتشار کاربن را کاهش دهند باید درک کنید که مجموع انتشار کاربن کاهش نمی یابد؛ چون کمپنی های که دارای بیشترین سهمیه کاربن دای اکساید استند سهام خویش را به بقیه کمپنی ها می فروشند و از آن ها جهت بالابردن سطح تولیدات استفاده می شود و باین حال، آلودگی محیط زیست افزایش می یابد.

پس اگر چنین فکر کنیم که مشکل اصلی به مصرف کنندگان/مردم بر می گردد، کاملاً عوام فریبی و اشتباه است. هم چنان اگر چنین بگوییم که کاهش مصرف برق توسط مردم عام سبب کاهش انتشار کاربن می گردد نیز انحراف و اشتباه است. چون اصل سخن این است که سهام مازاد کاربن دای اکساید که سبب آلودگی می شود به کشورهای که تولید برق آن ها متکی به ذغال سنگ است، فروخته می شود و این اقدام سبب آلودگی هوا می گردد.

پس مسئله این که گویا بحران تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی ناشی از اعمال و فعالیت های مصرف کنندگان / مردم عام است، کاملاً اشتباه و خطاست و در واقع سیاستیون و کمپنی های بزرگ غربی تلاش دارند با این شیوه از مسئولیت شانه خالی کنند و همه ملامتی را برگردن مردم عام ببندازند. در حالی که مسئول و مقصر اصلی بحران محیط زیست سیاستیون و کمپنی های بزرگ غربی هستند.

۲- میکانیزم های توسعه پاک

میکانیزم های توسعه پاک به کشورهای صنعتی اجازه می دهد تا سهام کاربن دای اکساید خویش را توسط کردیت کاربن دای اکساید (کردیت تقلیل انتشار گازهای گلخانه ای) از کشورهای در حال توسعه افزایش دهند. بر اساس این مفهوم توسعه پایدار، لازم نیست تا کمپنی ها سطح آلودگی را کاهش دهند حتی اگر آن ها تمام سهمیه آلودگی شان را به مصرف برسانند. در این برنامه کمپنی های بزرگ غربی شامل هستند و در کشورهای در حال توسعه روی پروژه های سرمایه گذاری می نمایند تا در حصه کاهش انتشار کاربن سهم خویش را ادا نمایند.

بر اساس پیمان کیوتو، هم چو پروژه ها باعث آغاز کردیت کاربن دای اکساید می شود که در مسئله تولیدات می توان آن ها را خرید و دوباره به فروش رساند. پس این کمپنی ها می تواند با مقدار زیادی از گازهای گلخانه ای حتی بیشتر از سهمیه تعیین شده از سوی دولت، محیط زیست را آلوده سازند.

هم چنان این برنامه، کمپنی های بزرگ را که در آلوده سازی محیط زیست سهم داشته اند، معاف می سازد و مسئولیت را که در جریان سال گذشته در خصوص آلوده سازی محیط زیست متوجه آن هاست نادیده می گیرند. هم چنان این اقدام زمینه را برای آن ها مهیا می سازد تا هرچه بیشتر محیط زیست را به شیوه های مشابه آلوده سازند.

از زمانی که پروژه های توسعه پاک (پروژه های سبز) به میان آمده همواره با فساد، عدم

شفافیت و تقلب و کلاهبرداری همراه بوده است. این پروژه‌ها، در حقیقت محیط زیست کشورهای در حال توسعه را بیشتر از پیش تخریب و صدمه زده است. یکی از مثال‌های بارز آن پروژه کارخانه‌های کیمیاوی در ایالت گجرات هند است که توسط کمپنی گجرات فلوروکیمیکل لمتید به پیش برده می‌شود که مرکز آن در لندن است. این یکی از پروژه‌های «سبز» سازمان ملل است که مصارف آن توسط پول مالیه دهندگان تمویل می‌گردد.

از برکت تولیدات مواد کیمیاوی زهری این کارخانه، آب این ساحه به اندازه‌ای ملوث شده که دیگر قابل آشامیدن نیست و حالا آب این منطقه مسمی به «آب مرده» شده است. در نتیجه، محصولات زراعتی تخریب گردیده، زمین‌های زراعتی این منطقه دیگر قابل کشت نمی‌باشد. اما نکته جالب این که کمپنی که مسئول آلودگی محیط زیست این منطقه شناخته می‌شود، جز کمپنی‌های است که پروژه «میکانیزم‌های توسعه پاک» را به پیش می‌برد.

وضع محدودیت بر کشورهای در حال توسعه

بعضی کشورها مثل چین و برازیل که صنعت‌شان نسبت به کشورهای غربی جوان شناخته می‌شود. پذیرش تقاضای غرب از طرف این کشورها به خاطر کاهش میزان انتشار کاربن‌شان مفید به میزان رفاه صنعتی و اقتصادی آن‌هاست. دلیلش هم سهم تعیین شده‌ی کاربن‌دای اکساید است، چون توسعه صنعت نیاز به افزایش محصولات و تولیدات کارخانه‌ها دارد که مستلزم افزایش مقدار انتشار کاربن می‌باشد تا کاهش آن. باین‌حال؛ امضای هم‌چو توافق‌نامه‌ها در حال حاضر یا در آینده، این کشورها را در خصوص تولیدات، پیشرفت و موفقیت، تحت تسلط غرب قرار می‌دهد.

اضافه‌براین، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به شمول کشورهای اسلامی هیچ‌گونه صنعت ندارند. اگر احياناً کشورهای در حال توسعه در آینده شامل این توافق‌نامه‌ها و پیمان‌ها گردند، جلو توسعه آن‌ها گرفته می‌شود تا به کشورهای صنعتی مبدل نشوند؛ زیرا این کشورها وادار ساخته می‌شوند تا سهم کاربن‌دای اکساید شان را به کشورهای توسعه‌یافته بفروشند. با این حساب، هیچ سودی برای کشورهای در حال توسعه ندارد؛ مگر این که آن‌ها به تطبیق پروژه‌های «میکانیزم‌های توسعه پاک» (پروژه‌های سبز) روی بیاورند. بازم این پروژه‌ها سهم بیشتر کاربن‌دای اکساید را برای کشورهای صنعتی غرب تضمین می‌کند که به معنی افزایش تولید برای آن‌ها می‌باشد. پس کشورهای در حال توسعه بازار مصرفی برای آلودگی‌ها خواهد بود که اقتصاد و صنعت غرب به آن نیاز زیاد دارد. به عبارت دیگر؛ کشورهای در حال توسعه هم‌چنان تحت تسلط و نفوذ غرب باقی می‌مانند.

بناءً راه‌حل‌های غربی‌ها و پیمان‌های آن‌ها در خصوص حل بحران تغییرات اقلیمی چیزی نیست، مگر تضمین این امر برای کمپنی‌های بزرگ خودشان تا تغییرات اقلیمی و محیط زیست مانعی در برابر آن‌ها قرار نگیرد و به آلودگی خویش ادامه دهند؛ چون این

کار برای رشد اقتصادی و منفعت آن‌ها خیلی حیاتی است. بر اساس نیروی بازار آزاد، این راه حل‌ها، محیط زیست را قربانی حرص اشباع‌ناپذیر کسانی می‌سازد که آغازگر بحران محیط زیست شناخته می‌شوند.

نظام سرمایه‌داری؛ عامل اصلی بحران محیط زیست

نظام سرمایه‌داری تنها در بُعد محیط زیست بحران‌آفرین نبوده؛ بلکه در سایر عرصه‌ها نیز بحران‌های ویرانگر و جبران‌ناپذیری از خود به جا گذاشته است. به‌عنوان نمونه، بحران‌های جهانی مواد غذایی، بحران‌های اقتصادی و مالی از جمله جوان‌ترین بحران‌های ویرانگری است که نظام سرمایه‌داری با خود به ارمغان آورده است. این بحران‌ها، میلیون‌ها انسان را در پرتگاه سقوط قرار داده و میلیون‌ها انسان دیگر را بیچاره ساخته است. درعین حال، این نظام زمینه ثرورت‌اندوزی را به گونه‌ای برای افراد محدود مهیا ساخته که هرگز بشر در طول تاریخش شاهد هم‌چو بی‌عدالتی و نابسامانی نبوده است. اما این که چرا نظام سرمایه‌داری قادر به پیشکش راه‌حل‌های واقعی و اساسی نیست؟ دلیلش در عقیده و جهان‌بینی این نظام نهفته است؛ یعنی مشکل اصلی در عقیده این نظام است. دکترین عقیدتی این نظام به اساس سازش/حل وسط بنا یافته و به انسان محدودالعقل حق تقنین داده است. انسان را شارع تعیین کرده است. پس جدایی دین از تمام شئون زندگی، انسان را تحت قیادت و تسلط قانون‌گذاران کپیتالست قرار داده و آن‌ها بدین باور استند که هدف زندگی دستیابی به لذات شهوانی است. معیار عمل هم نزد آن‌ها منفعت است و بس و ماسوای آن را قبول ندارند.

ناکارایی نظام سرمایه‌داری در امر پیشکش کردن راه‌حل درست به مشکلات به دیدگاه و اصول اقتصادی این نظام نیز ارتباط می‌گیرد. این نظام مشکلات اقتصادی را ناشی از فقدان منابع می‌داند که بنام نظریه «کمیابی» معروف است؛ یعنی به این باور است که منابع محدود و خواست و مصارف انسان‌ها نامحدود. این نظریه سبب شده تا نظام سرمایه‌داری تمام تمرکز خویش را بر تولیدات معطوف بدارد و هرگز به توزیع عادلانه ثروت نمی‌اندیشد. توزیع عادلانه ثروت و تولید را قربانی تولیدات بیش‌ازحد نموده است؛

مثلاً: در خاستگاه و پایگاه نظام سرمایه‌داری - آمریکا - در سال ۲۰۰۳ اتفاق عجیبی رخ داد. در این سال، تولیدات ناخالص داخلی این کشور به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافت؛ ولی خط فقر به بیش از ۱,۳ میلیون افزایش یافت.

افزون براین، نظام سرمایه‌داری در معاملات اقتصادی و مالی خود هرگز چیزی بنام اخلاق را نمی‌شناسد؛ چون هدف اصلی آن تنها توجه به ارزش‌های مادی است و بس. تنها موفقیت فرد را در افزایش ثروت و سرمایه او می‌داند و بس. هرگز متوجه عوارض جانبی آن به جامعه و محیط زیست نیست. آدم اسمیت - مؤسس و از نخستین نظریه‌پردازان این نظام - می‌گوید: حرص یک اصل و اخلاق فردی است و این اصل اقتصاد را کنترل می‌کند.

پس تأثیرات و تبعات این دیدگاه واقعاً برای بشر و طبیعت ویرانگر و مخرب است. ما شمه‌ی از ویرانگری و تباهی این نظام را برای‌تان بیان کردیم و خواندید که چگونه فعالیت‌ها و اعمال کمپنی‌های بزرگ وابسته به این نظام؛ دریاها، ابحار، جنگلات، زمین‌های زراعتی را ملوث و آلوده ساخته است. خواه در اندونیزیا باشد، یا جنوب آمریکا؛ این کمپنی‌ها جنگل‌های موجود را از بین می‌برند و به شکل بی‌رحمانه جنگل‌زدایی می‌کنند. این در حالی است که جنگل‌ها در کاهش کاربن نقش اساسی دارند؛ ولی از اثر فعالیت کمپنی‌های بزرگ غربی رو به نابودی اند. جالب این‌که همین کمپنی‌ها به شکل بی‌شرمانه درباره حفاظت محیط زیست و تغییرات اقلیمی سخن می‌زنند.

افزون براین؛ مردمان اهل امریکای جنوبی، افریقا، آسیا و حتی اروپایی‌ها نیز به این پی برده‌اند که محل سکونت آن‌ها آلوده شده است. حتی به اندازه‌ای که اطفال‌شان معیوب به دنیا می‌آید و ساکنین آن شدیداً از زباله‌ها و مواد فاضلاب زهری و سمی که به دریاها، ابحار و دریاچه‌ها سرازیر می‌شود، متضرر شده‌اند. هم‌چنان در زمانی که سخن از کاهش انتشار کاربن زده می‌شود، درعین حال مواد فاضله زهری به جهان سوم فرستاده می‌شود که سبب مرگ بسیاری از مردم این کشورها شده و اراضی قابل زرع را آلوده

ساخته و ماهی‌های موجود در ابحار، دریاها و اقیانوس‌ها را نیز از بین برده است؛ مثلاً: دریایی نیل در مصر به اندازه آلوده شده که مردم پس از نوشیدن آب آن از مشکلات صحتی رنج می‌برند.

طارق سمیر، یکی از اعضای مدیریت آب در مرکز تحقیق ملی مصر می‌گوید: «بعضی از بخش‌های دریایی نیل و شاخه‌های آن به دلیل سرازیر شدن فاضلاب صنعتی به این دریا آلوده شده است.» او می‌افزاید: «مایع محلل عضوی تولیدات صنعتی، زراعتی و مواد فاضلاب که به دریایی نیل سرازیر می‌شود، از بین نمی‌رود حتی بعد از این که در دستگاه با محلول کلورین نیز تصفیه می‌گردد.»

حفاظت از محیط زیست نیاز به مبالغ هنگفت دارد؛ ولی زمانی که تنها منفعت هدف باشد، هر کمپنی تلاش می‌کند تا مصارف خویش را به حداقل برساند. به اساس منطق نظام سرمایه‌داری، منفعت و افزایش آن نسبت به حفاظت از محیط زیست و حیثیت انسان اولویت دارد. پس تطبیق نظام سرمایه‌داری علت اصلی تباهی و ویرانی‌های جاری به شمار می‌آید، بناءً اهل خرد باید در خصوص انگیزه‌های سرمایه‌داری جهت حفاظت از زندگی بشر و محیط زیست در آینده در شگفت باشند! یعنی هنوز هم باور دارید که نظام سرمایه‌داری نگران آینده بوده و در جستجوی حفاظت از زندگی و محیط زیست شماست؟ اما هرگز چنین نیست.

جهان‌بینی اسلام

از نظر اسلام، الله سبحانه و تعالی انسان، زندگی و کائنات را خلق نموده و برای رهنمایی بشر، اسلام را به عنوان آخرین پیام فرستاده تا توسط آن انسان از ظلمت به سوی نور فراخوانده شود. پس هر زمانی که یک انسان کاملاً از دل و جان به الله سبحانه و تعالی و پیام او تسلیم شود و قناعت عقلی حاصل نماید، در این حالت است که او شریعت اسلامی را مبنای تمام اعمال و افکار خویش قرار می‌دهد و مطابق آن به پیش می‌رود و سرانجام تعیین خیر و شر، حسن و قبح اعمال را به شارع می‌گذارد و به او توکل می‌کند. تمام مشکلات را بر اساس اسلام حل می‌کند؛ چون وی معتقد شده که اسلام یک سیستم کامل و شامل برای زندگی است. سپس اسلام تمام نیازمندی‌های او را در هر مکان و زمان حل می‌کند و هرگز تابع هوا و هوس، محیط، منافع شخصی و واقعیت نمی‌شود و خود را به طور کامل به الله سبحانه و تعالی و اسلام می‌کند.

افزون بر این، اسلام مشکل انسان را با در نظر داشت تمام ارزش‌های معنوی، مادی، انسانی و اخلاقی او حل می‌کند. اسلام به تمام ارزش‌های یک انسان احترام قایل بوده و یکی را قربانی دیگری نمی‌کند. اسلام زندگی شخص را به گونه‌ی تنظیم نموده که تمام ارزش‌های وی را مراعات می‌نماید. پس ارزش مادی را بر سایر ارزش‌ها ترجیح نمی‌دهد و نه هم هیچ‌یکی از ارزش‌های او نادیده گرفته نمی‌شود؛ بلکه تمام آن‌ها در یک نظم خاص و هماهنگ در نظر گرفته می‌شود.

مسائل و تصامیم جمعی در اسلام طوری روی دست گرفته می‌شود که هیچ‌یک از ارزش‌های انسانی سرکوب و یا نادیده گرفته نشود. مسائل مربوط به جامعه با مراعات هر چهار ارزش: انسانی، اخلاقی، روحی و مادی تنظیم و حل می‌گردد و تنها به تولیدات ناخالص داخلی توجه نمی‌کند که در حال حاضر، در غرب تنها معیار جامعه برتر و متمدن

به شمار می آید. چنانچه در عصر حاضر پیشرفت های مادی به قیمت جان انسان ها و طبیعت تمام می شود. اسلام هرگز حیات انسان و طبیعت را فدای پیشرفت های مادی نمی کند؛ بلکه چنان تنظیم می کند که تمام ارزش ها باهم موازی باشند و مشکلات طوری حل گردد که حیات بشر و طبیعت درخطر قرار نگیرد.

ما معتقدیم تا زمانی که حق تقنین در دست بشر باشد، ارزش های چهارگانه فرد هرگز به صورت عادلانه مراعات نمی گردد؛ چون عقل بشر محدود است و انسان همواره تابع محیط، واقعیت و منفعت شخصی خود می باشد و هرگز نمی تواند مستقلانه عمل کند. این یک واقعیت انسانی است که هیچ کس از آن انکار کرده نمی تواند. پس باید شارع و مقنن خارج از محدوده انسان باشد که همانا ذات الله متعالی هست. از طرف دیگر، تنظیمات امور توسط بشر همواره ناقص، متغیر، متناقض و تاثیرپذیر می باشد که منتج به ظهور یک نظام فاسد و متناقض می گردد که سرانجام هم چو نظام بشر را به سوی بدبختی و تباهی سوق می دهد که امروز شاهد آن هستیم. در عصر کنونی بشر با تمام مصائب هم چو فقر، گرسنگی، فساد گسترده، انواع بی عدالتی، بحران های گوناگون من جمله بحران محیط زیست روبه رو است و این بهترین ثبوت برای ادعای ماست.

پس انسان هرگز قادر به حل مشکلات انسان نبوده و نیست و انسان موجودی نیست که حق و باطل را تعیین کرده بتواند.

اما باید درک کنیم که اسلام هرگز مخالف کار و جمع آوری ثروت نیست و هرگز انسان را از نعمت و رحمت الهی محروم نساخته است. اسلام قطعاً مخالف کاری است که به قیمت حیات بشر و تخریب طبیعت تمام شود. الله سبحانه و تعالی فرموده که انسان جهت پیشرفت و دست یافتن به نعمات الهی باید تمام تلاش های خود را به گونه انجام دهد که مسئولیت های اساسی خویش را فراموش نکند.

او سبحانه و تعالی فرموده:

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [اعراف: ۳۲]

ترجمه: بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده است و هم‌چنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است؟ بگو: این (نعمت‌ها و موهبت‌های حلال و) چیزهای پاکیزه، برای افراد باایمان در این جهان آفریده شده است. در روز قیامت این‌ها همه در اختیار مؤمنان قرار می‌گیرد. این چنین آیات را برای کسانی توضیح و تشریح می‌کنیم که آگاهند و می‌فهمند.

در اسلام جایز نیست تا عده‌ای محدودی بیش از حد مصرف کنند و بقیه‌ای مردم، حتی نیازمندی‌های اساسی خویش را پوره کرده نتوانند. اسلام مشکل اقتصادی را در توزیع ناعادلانه ثروت و مال می‌داند، نه در فقدان و کمبود آن. اسلام نگران افزایش تولیدات ناخالص داخلی نیست؛ بلکه ماموریت اصلی اسلام محو فقر و توزیع عادلانه‌ی ثروت میان اتباع دولت است و همواره تلاش می‌کند تا توازن میان مصلحت و نیازمندی فرد و جامعه را حفظ کند. پس اسلام هرگز نیازمندی‌های فرد را در مقابل جامعه نادیده نگرفته و مصلحت فرد را بر مصلحت جامعه ترجیح نمی‌دهد. یکی را قربانی دیگر نمی‌کند؛ بلکه توازن میان هردو را حفظ می‌کند. اسلام هرگز شرایط غیر انسانی تعداد کثیری از جمعیت جهان تحت کنترل نظام سرمایه‌داری را قبول ندارد؛ بلکه در مقابل این نظام غیرانسانی مبارزه می‌کند. چون در این نظام بخش عظیمی از ثروت و مال در دست چند فرد محدود قرار دارد.

پس اسلام با این دیدگاه، چنان شخصیتی تربیت می‌کند که همواره در امور خود الله سبحانه و تعالی را شاهد و حاضر بداند و به تمام فرامین و دستورات او لیبیک بگوید، حتی اگر به زیان مالی و جانی وی تمام شود. پس چنین فرد خداترس و مؤمن هرگز به حرص و جمع‌آوری مال و ثروت تلاش نمی‌کند و هرگز در پی مصارف بیجا و گراف نیست. چنین انسان جدوجهد می‌کند تا حب دنیا (حرص و جمع‌آوری مال) در قلب‌اش راه پیدا

نکند. اسلام با چنین دیدگاه، سعی می کند تا معاملات مالی و اقتصادی در مطابقت کامل با شریعت اسلامی، ارزش های اخلاقی و معنوی قرار داشته باشد و از فعالیت و معاملات اقتصادی صرف مادی جلوگیری می کند.

اسلام با ارائه و بحث مفاهیم انسان سازش تلاش می کند تا از رفتار و سلوک غیرانسانی که منجر به تخریب محیط زیست شود، جلوگیری می نماید. یعنی اسلام تمایلات و روش های غیرانسانی را که منجر به تباهی انسان و طبیعت می شود با ارائه و بحث مفاهیم عمیق سرکوب می کند.

نظر اسلام درباره محیط زیست

اسلام هرگز رابطه انسان با طبیعت را در تضاد و تناقض نمی‌بیند و معتقد است که ارتباط انسان با طبیعت در تناقض و تضاد قرار ندارد. اما جهان‌بینی غربی معتقد است که رابطه انسان با طبیعت در تناقض قرار دارد و براین اساس استوار است. چون کائنات و طبیعت مانند انسان و زندگی مخلوق الله سبحانه و تعالی است. اسلام رابطه انسان با طبیعت و کائنات را مکمل یکدیگر می‌داند. الله سبحانه و تعالی کائنات و طبیعت را در خدمت انسان قرار داده و به انسان فرمان داده تا در زمین زراعت کرده و از نعمات الهی مستفید شود. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَاتِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ [ابراهيم: ۳۲-۳۳]

ترجمه: الله کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفریده است. از آسمان آب را پائین و با آن میوه‌ها و دانه‌هایی را به وجود آورده و روزی شما گردانده است. کشتی‌ها را مسخر شما نموده است تا در دریا با اجازه و اراده‌ای او حرکت کنند و رودخانه‌ها را در اختیار شما قرار داده است. خورشید و ماه را مسخر شما کرده است که دائماً به برنامه (نورافشانی و تربیت موجودات زنده و ایجاد جزر و مد در اقیانوس‌ها و دریاها و خدمات دیگر) خود ادامه می‌دهند. و شب را (برای آسایش) و روز را (برای تلاش) مسخر شما ساخته است. هم چنان او سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾

[بقره: ۳۰]

ترجمه: زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی بیافرینم گفتند: آیا در زمین کسی را به وجود می آوری که فساد می کند و تباهی راه می اندازد و خون ها خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ گفت: من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.

بناءً به خاطر جلوگیری از تمام شرارت ها و نابسامانی های مادی و غیرمادی موجود در روی زمین نیاز به اراده قوی است و باید جلو فساد پیشه گان گرفته شود.

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ

الْمُحْسِنِينَ﴾ [اعراف: ۵۶]

ترجمه: در زمین بعد از اصلاح آن فساد و تباهی نکنید. الله را بیمناکانه و امیدوارانه به فریاد خوانید؛ (بیم از عدم پذیرش و امید به رحمتش). بی گمان رحمت الله به نیکوکاران نزدیک است.

اسلام، محرومیت در روی زمین را یک جرم نابخشودنی و مکروه می داند. چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾ ﴿۲۰۴﴾ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ

لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ﴾ [بقره: ۲۰۴-۲۰۵]

ترجمه: در میان مردم کسی یافت می شود که سخن او در (باره امور و اسباب معاش) زندگی دنیا، تو را به شگفت می اندازد. او الله را بر آن چه در دل خود دارد گواه می گیرد. حال آن که او سرسخت ترین دشمنان است. هنگامی که پشت می کند و می رود (و یا به ریاست و حکومتی می رسد)، در زمین به تلاش می افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل را نابود کند. الله فساد و تباهی را دوست نمی دارد.

اسلام به صراحت بیان داشته است که در کائنات و در روی زمین توازن خاص برقرار

است. تمام انواع مخلوقات و اشیا به یک هدف خاص خلق شده‌اند. همه چیز به گونه سنجیده و موزون و در اندازه‌های متناسب و مشخص خلق شده است.

﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ﴾ [حجر: ۱۹]
ترجمه: ما زمین را گسترانیده‌ایم و در زمین کوه‌های استوار و پابرجایی را پدید آورده‌ایم. همه چیز را به گونه سنجیده و هماهنگ و در اندازه‌های متناسب و مشخص در آن ایجاد کرده‌ایم.

هم چنان الله سبحانه و تعالی فرموده:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [قمر: ۴۹]

ترجمه: ما هر چیز را به اندازه لازم و از روی حساب و نظام آفریده‌ایم.

آیات فوق کافیهست تا دیدگاه اسلام در باره طبیعت و محیط زیست واضح شود. تمام آیات بیانگر این واقعیت است که اسلام متوجه محیط زیست و طبیعت بوده و به پیروان خود دستور می‌دهد تا از محیط زیست و طبیعت حفاظت نموده و از تخریب و تباهی آن جلوگیری نمایند. این نصوص، مسلمانان را تشویق می‌نماید تا در روی زمین زراعت نموده و از آن مستفید شوند. هم چنان از زمین حفاظت نمایند و در روی زمین در جستجوی نعمات الهی باشند. افزون بر این، آیات و احادیث زیادی موجود است که حفاظت از محیط زیست و طبیعت را به جزئیات تشریح نموده است. تمام آن دال بر این است که اسلام معالجه و حل یک مشکل را عام و غامض نگذاشته است؛ بلکه به جزئیات به آن پرداخته است. اسلام انسان را از تخریب و آلوده ساختن محیط زیست منع نموده است. رابطه فرد با طبیعت را به خواست و خواهش خودش نگذاشته؛ بلکه آن را درست تنظیم نموده تا فرد به خاطر منفعت شخصی خویش طبیعت و محیط زیست را تخریب و از بین نبرد. در ذیل احادیثی را بیان می‌نمایم که در باب حفاظت از محیط زیست و طبیعت روایت شده است.

۱- روایات در باب حفاظت از آب:

ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که وی صلی الله علیه وسلم گفت:

ترجمه: «جایز نیست تا کسی بر آب راکد و ساکن ادرار نماید و سپس از آن جهت شستن بدنش استفاده نماید.» (رواه بخاری و مسلم)

معاذ بن جبل رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند:

ترجمه: «از سه عمل دوری جوید؛ چون نفرین و لعنت مردم را به دنبال دارد: انداختن و خارج نمودن مواد فاضله بدن خود در منابع آبی، سرک/راه و در سایه.» (رواه ابوداود فی ابن ماجه)

یعنی در این حدیث اسلام یک مسلمان را از ادرار کردن و انداختن سایر اشیایی مضر در آب و سرک و سایه منع کرده است.

عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما می فرماید:

ترجمه: «روزی پیامبر صلی الله علیه وسلم از راه عبور می کرد و متوجه شد که سعد رضی الله عنه وضو می گیرد. او صلی الله علیه وسلم خطاب به سعد گفت: چرا آب را زیاد مصرف می کنی؟ او پاسخ داد. ای رسول خدا! آیا در وضو گرفتن نیز اسراف است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی، حتی اگر در کنار آب روان هم باشی.» (رواه ابن ماجه)

۲- روایات در مورد دور نمودن اشیایی مضر از راه:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

ترجمه: «ایمان دارای کم یا بیش از ۷۰ یا ۶۰ شعبه دارد که عالی ترین آن ایمان کامل به کلمه طیبه و پائین ترین درجه آن دور نمودن اشیایی مضر از راه است.» (رواه مسلم)

هم چنان رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

ترجمه: «دور نمودن اشیایی مضر از راه، نوع از صدقه است.» (رواه بخاری)

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده:

ترجمه: «روزی مردی در راه روان بود و یک شی خار دار را بر سر راه دید و آن را برداشت. الله سبحانه و تعالی از وی راضی شد و این عمل او را ستود و سرانجام او را عفو نمود.» (رواه بخاری)

۳- روایات در باب محصولات، غلات و نباتات:

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

ترجمه: «هر مسلمان که نهال، حیوانات و غلات کشت نماید و سپس از آن پرنده، انسان و حیوانی استفاده کند. این عمل او صدقه محسوب شده و ثوابش به وی می رسد.» (رواه بخاری)

اضافه بر این، پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید:

ترجمه: «هر که زمین حاره و بی ثمر را کشت کرد. آن زمین متعلق به او است.» (رواه ابو داود)

رسول الله صلی الله علیه و سلم می افزاید:

ترجمه: «اگر روز جزا هم فرا رسید و در دست کسی نهالی بود؛ در صورت امکان، باید آن را غرس نماید.» (رواه احمد)

هر زمانی که رسول الله صلی الله علیه و سلم سپاهیان از اصحاب را به جهاد می فرستاد به ایشان چنین توصیه می کرد:

ترجمه: «بنام الله به جهاد بروید... هیچ نهالی را قطع نکنید؛ مگر این که جلو جهاد شما را بگیرد یا این که میان شما و دشمنان مانع ایجاد نماید!» (رواه بیهقی)

۴- روایات در باب ترحم بر حیوانات و پرندگان:

ابوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که ایشان فرمودند:

ترجمه: «مردی در راهی روان بود که ناگهان خیلی تشنه شد. چاه آب را یافت و در آن فرورفت و خود را سیرآب نمود. دوباره از چاه بیرون آمد و متوجه شد که سگی از تشنگی شدید گل را می خورد. مرد گفت: این سگ به سان من تشنه شده است. او به چاه آب فرورفت و کفش خود را پراز آب نمود و آن را در جلوی سگ گذاشت تا از آن خود را سیر آب نماید. الله سبحانه و تعالی این عمل مرد را توصیف نمود و او را مورد عفو قرارداد.» اصحاب کرام رضی الله عنهم از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال کردند: «ای رسول خدا! آیا برای حیوانات اجر و پاداشی است؟» او صلی الله علیه وسلم پاسخ داد: «برای هر زنده جانی (زنده جانی با کبد مرطوب) اجر و پاداش است.» (رواه بخاری)

ابن عمر رضی الله عنه روایت می کند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:
ترجمه: «روزی یک زن به دلیل این که یک گربه را محکم بسته بود دوزخی خوانده شد. چون آن زن به گربه هیچ چیزی نمی داد و نه هم به او اجازه می داد تا خود را از میان حشرات و جانوران سیر کند. سرانجام گربه از گرسنگی شدید مُرد.» (رواه بخاری)
انس رضی الله عنه روایت می کند که:

ترجمه: «رسول الله صلی الله علیه وسلم شکار و تیراندازی بر حیوانات بسته شده و در حصار کشیده شده را منع کرده است.» (رواه مسلم)

هم چنان رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید:

ترجمه: «هرکی گنجشکی یا بزرگ تر از آن را بدون دلیل موجه بکشد. الله سبحانه و تعالی در روز قیامت او را مورد بازپرس و محاسبه قرار می دهد.» مخاطب سؤال کرد: ای پیامبر خدا! دلیل موجه چیست؟ او پاسخ داد: «مگر این که به منظور استفاده و خوردن کشته شود، نه به دلیل این که سرش را از تنش جدا ساخته و دور اندازد.» (رواه نسایی)

روایات فوق قطره‌ای از اقیانوس بیکران شریعت اسلامی است که در باب حفاظت از محیط زیست آماده است. نصوص و روایات فوق نشان می‌دهد که حفاظت از طبیعت و محیط زیست در محراق توجه اسلام قرار دارد. افزون بر این، کُل روایات فوق بیانگر این است که الله سبحانه و تعالی طبیعت را در خدمت انسان قرار داده تا از آن استفاده نماید. انسان را مکلف ساخته تا مواظب و محافظ محیط زیست باشد و هرگز به تخریب آن دست نزنند.

مخالفت اسلام با آسیب رساندن و آنچه به آن می‌انجامد

اکثر قواعد و احکام شرعی مربوط به محیط زیست موضوع آسیب رساندن است که باید از بین برده شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «لا ضرر و لا ضرار»؛ یعنی آسیب و آسیب رساندن جایز نیست. (دارالقطنی)

مثال‌های از این قبیل بسیار است؛ مثلاً: «اصل در مسائل آسیب و ضرر حرمت است.» «آسیب و ضرر از بین برده شده است.» هر شی مباح که باعث ضرر و یا منجر به ضرر شود، منع شده است؛ مگر موضوع هم‌چنان جایز باقی می‌ماند. پس برخورد با طبیعت و محیط زیست به گونه باشد که باعث ضرر و آسیب و یا منتج به آن نشود.

مانند سایر قواعد ضرر، این اصل: «وسیله‌ای که منتج به حرام شود، حرام است.» از نصوص شرعی استنباط شده است. پس به اساس این قاعده، هرگونه رابطه با طبیعت و محیط زیست که منجر به عملی شود که شریعت آن را ممنوع و حرام قرار داده است، حرام است. حتی اگر حرمت آن به صراحت در نصوص نیامده باشد. پس طبق این اصل، آلوده کردن محیط زیست که منجر به ضرر و آسیب رسانیدن به انسان‌ها می‌گردد، حرام است. هم‌چنان هرگونه تلاش به آلوده سازی محیط زیست نیز حرام است که آلوده سازی محیط زیست در جریان فعالیت کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی و فعالیت‌های اقتصادی و استفاده از منابع طبیعی نیز شامل آن می‌شود. چون با هم‌چو فعالیت‌ها آب، هوا، خاک آلوده شده و سرانجام باعث تخریب خاک و انقراض نسل حیوانات و محو ماهی‌ها می‌گردد.

اگر فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی باعث ایجاد ضرر به محیط زیست و طبیعت می‌گردد، پس به دلیل آسیب رساندن به انسان حرام و منع است. هم‌چنان باید گفت که شریعت اسلامی به صراحت بیان نموده که با هر قیمتی که می‌شود باید با مشکلات مربوط به محیط زیست و طبیعت مقابله گردد و گذاشته نشود که به مردم ضرر برسد. هم‌چنان

در زمینه حفاظت از محیط زیست هرگونه خساره و زیان مالی و اقتصادی را باید پذیرفت و این چیزی است که دولت‌های منفعت‌پرست غرب از آن طفره می‌روند.

اسلام هرگز به یک فرد اجازه نمی‌دهد تا به خاطر منافع شخصی خود حیات یک اجتماع را در یک ساحه خاص به کلی از بین ببرد و اراضی عامه، دریاها، دریاچه‌ها، چمن‌زارها و جنگلات مربوط آن را آلوده سازد. هم‌چنان اسلام نظارت بر ملکیت عامه را به دوش دولت گذاشته تا در صورت هرگونه تعرض از آن حفاظت نماید و جلو ضرر و آسیب را بگیرد. دولت مکلف است تا هرگونه ضرر و آسیب را از جامعه دور نماید. دولت مکلف است تا جلو فعالیت آن عده کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی که مواد فاضله و باطله خویش را به دریاها و ابحار می‌ریزند، بگیرد.

اسلام ملکیت، انواع مالکیت و طرز به دست آوردن آن را بدون مداخله به مقدار آن مشخص و معین نموده است. این برخلاف راه‌حل سهمیه‌ای است که پیمان‌های مربوط به تغییرات اقلیمی به آن متعهد اند. یعنی آن‌ها کاهش مقدار را اساس تولیدات قرار داده‌اند. بناءً از این معلوم می‌شود که پیمان‌ها و توافق‌نامه‌های مربوط به تغییرات اقلیمی تنها به هدف خدمت به کمپنی‌های بزرگ و به نفع کشورهای صنعتی عقد گردیده است، نه به منظور حفاظت از محیط زیست.

بناءً اگر به گونه عمیق متوجه موضوع شویم درمی‌یابیم که مشکل اصلی در کمیت تولیدات نیست؛ بلکه مشکل اساسی در نوعیت ملکیت و شیوه به دست آوردن آن است؛ مثلاً: زمانی که کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی در ساحات مسکونی ساخته می‌شود. واضح است که آسیب و ضرر بالقوه آن متوجه ساکنین محل است. پس شما فکر کنید که آیا مشکل در کمیت تولید شرکت‌های تولیدی است یا این که مشکل اصلی در موقعیت آن است. واضح است که مشکل اساسی در موقعیت آن است، نه در کمیت تولید آن.

پس باید جلو ساخت هم‌چو کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی در ساحات مسکونی گرفته شود. هم‌چنان مواد فاضله و باطله این کمپنی‌ها و شرکت‌ها اگر منجر به ضرر می‌شود، در این صورت، شرکت مذکور مکلف است تا این مواد را به گونه‌ای که از ساحه دور نماید که نه سبب آزار و اذیت مردم گردد و نه هم محیط زیست را تخریب کند.

پس راه حل در کاهش و افزایش کمیت تولید نیست؛ بلکه مسئله اصلی جای دیگری است که کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی از آن بهره می‌برند. بناءً مالکان کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی و دولت‌های که ناظر اصلی بر صنایع است، مسئولیت عام و تام دارند تا در رفع و از بین بردن آسیب و ضرر اقدام جدی نمایند.

دولت خلافت و حفاظت از محیط زیست

در حال حاضر دنیای اسلام در یک آشفتگی کامل و وضعیت ناگوار به سر می‌برد. هم‌چنان مصائب و بلاهای گوناگون جهان اسلام را زمین گیر کرده و در تمام ابعاد مسلمانان رو به انحطاط استند. حکام خائن در حفظ شرایط فعلی نقش اساسی بازی کرده‌اند و ایشان غلامی غرب را به‌پیشانی باز پذیرفته‌اند. اما فراتر از این، حکام خائن مانع اصلی فرا راه تطبیق کامل اسلام هستند. پس آن‌ها سبب شده‌اند تا هیچ تغییر و پیشرفتی در زندگی امت اسلامی رونما نگردد. مسلمانان نیاز اشد به زیربناها، سکتور صنعتی، زراعتی، صحت، مطالعات اقتصادی، توسعه و غیره دارند.

دولت خلافت آینده که عنقریب به اذن الله سبحانه و تعالی تاسیس می‌گردد، باید روی مسائل فوق سرمایه‌گذاری هنگامت نماید تا امت اسلامی از هرگونه وابستگی مستقل شده و به یک قدرت شکست ناپذیر جهانی مبدل گردد. هرچند دست یافتن به موفقیت‌های فوق‌الذکر مشکل و احتمالاً ناممکن به نظر می‌رسد، ولی حقیقت این است که الله سبحانه و تعالی تمام منابع را در اختیار مسلمانان قرار داده است و دنیای اسلام بر سر بزرگ‌ترین منابع طبیعی خفته است.

هم‌چنان امت اسلامی یکی از جوان‌ترین امم روی زمین به شمار می‌روند که جوان‌ترین قشر نیروی بشری را در اختیار دارند که در عرصه‌های مختلف از مشهورترین پوهنتون‌های دنیا مدارک علمی در دست دارند. در حال حاضر، امت اسلامی بهترین و ماهرترین دانشمندان، محققان، دکتوران، انجیران را در اختیار دارد. خلافت می‌تواند در کمترین وقت به بزرگ‌ترین دولت صنعتی جهان مبدل شود؛ اما صنعت این دولت تابع اسلام بوده که هرگز باعث خطر به حیات بشر و منجر به آلودگی محیط زیست نخواهد شد.

به منظور تطبیق درست و کامل قوانین شرعی، اسلام چنان فردی تربیت می کند که همواره ترس خدا در دل او جا داشته و فرد مسلمان در هر عمل خود خدا را حاضر و شاهد بداند. باید گفت که ترس خدا در رگ و خون وی ریشه می کند.

نظام اسلام موضوع را تنها به ترس خدا خلاصه نمی سازد؛ بلکه برای تطبیق کامل و درست قوانین شرعی، از خود شیوه ها و میکانیزم های عملی نیز دارد. اسلام، دولت را مجری و مسئول عام و تام قوانین تعیین نموده و برای نقض قوانین جرایم سبک و سنگین نیز تعیین نموده است. به تمام مسلمانان فرمان و دستور داده است تا در صورت هرگونه غفلت و کجروی، فرد و دولت را محاسبه نمایند. دستگاه قضایی در کل مسئول نظارت از تطبیق قوانین اسلامی است. پس با این اصل، دولت مکلف است تا به موضوع حفاظت از محیط زیست و تغییر اقلیم نیز توجه داشته و رسیدگی کند. نقش دستگاه قضایی در امر حفاظت از محیط زیست و تغییر اقلیم این گونه خلاصه می شود:

۱- قاضی حسب (قاضی نظارت)

در اسلام جایز است تا یک فرد تحت شرایط و مقررات خاص دست به فعالیت های، اقتصادی، تجاری، سرمایه گذاری و تولیدی بزند. شرایط مشخص می کند که یک فرد چه چیز و چگونه دست به فعالیت بزند و مال به دست بیاورد؛ مثلاً: اسلام تجارت، خرید و فروش شراب را حرام قرار داده است.

هم چنان اسلام در شیوه و طریقه به دست آوردن مال مداخله نموده است. یعنی کسی نمی تواند با جعل و تدویر و فریب و تقلب مال به دست بیاورد. به همین ترتیب، اسلام انحصار طلبی را حرام قرارداده است. اضافه براین، قاضی حسب مکلف است تا از تطبیق کامل قوانین شرعی اطمینان حاصل نماید و مطمئن شود که شر و ضرر موجود در جامعه از بین رفته است.

اسلام دستور داده است تا یک قاضی از تمام امور عامه به ویژه از بازار، شفاخانه، کمپنی‌ها، شرکت‌های تولیدی و سایر امور تحت مسئولیتش نظارت نموده و مطمئن شود که تمام امور مربوط در مطابقت با قوانین شرعی به پیش می‌رود و تمام کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی قوانین شرعی را رعایت و تطبیق می‌کنند.

پس شخصی که امور فوق‌الذکر را انجام می‌دهد معروف به قاضی حسبه است. این قاضی صلاحیت عام و تام دارد تا جلو فعالیت کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی‌ای را بگیرد که محیط زیست و طبیعت را آلوده می‌سازد. بناءً قاضی حسبه در میان تیم بازرسان و مفتشین قرار خواهد داشت تا امور مربوط به آلودگی آب، هوا و خاک را نظارت و ارزیابی نموده و با کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی که مواد فاضله و باطله آن‌ها سبب تخریب محیط زیست می‌گردد، برخورد قانونی نماید. پس اگر متوجه هرگونه نقض صریح شد، حق دارد تا فوراً ناقضین قانون را مورد مجازات و پیگرد قرار دهد.

۲- قاضی حل منازعات و خصومت‌ها

به همگان واضح است که آلودگی محیط زیست کارگراها و سایر انسان‌های را که در معرض آن قرار دارند، تهدید می‌کند و سبب بروز امراض و مشکلات گوناگون می‌گردد. پس موقف اسلام در برابر اعمالی که منجر به تهدید انسان می‌شود، واضح است. اسلام فرمان داده تا هم‌چو اعمال هرچه زودتر از بین برده شود و جلو تکرار آن گرفته شود. پس یکی از وظایف قاضی حل منازعات و خصومت‌ها تشخیص و رسیدگی به شکایات و مشکلات قربانیان است. وی به اساس قوانین شرعی قضاوت و حکم می‌کند و مسئولیت دارد تا آسیب و ضرر را از میان برداشته و مسئول این عمل را محاسبه نماید تا مصارف خسارات ناشی از آن را جبران نموده و بپردازد.

۳- قاضی مظالم

قاضی مظالم مسئول حل منازعات بین مردم و حاکم است. در قضایای مربوط به محیط زیست، قاضی مظالم مسئولیت دارد تا بی‌عدالتی و مظالمی که در حق محیط زیست از سوی حکام و دولت صورت گرفته را از بین ببرد؛ مانند: ضرر و آسیب‌های که از کمپنی‌ها و شرکت‌های تولیدی دولتی متوجه محیط زیست می‌گردد. بناءً قاضی مظالم حاکم را مجبور می‌سازد تا قوانین مربوط به محیط زیست را تطبیق نماید. پس اگر در این زمینه غفلت و بی‌پروایی صورت می‌گیرد یا این که حاکم به قیمت جان دیگران هم‌چو عمل را انجام می‌دهد، قاضی مظالم وی را محاسبه نموده و مورد بازپرس قرار می‌دهد.

جهانی شدن بحران محیط زیست

جهانی شدن تغییرات اقلیمی و بحران محیط زیست نشان می‌دهد که راه‌حل آن باید جهانی باشد. پس معلوم می‌گردد که دول غربی در خصوص راه‌حل این بحران جدیت نشان نمی‌دهند در حالی که دول غربی توان حل این بحران را دارند و سایر کشورها از حل این بحران عاجز هستند. اما چرا غربی‌ها کُل جهان را به حل این بحران فرا می‌خوانند؟! کنواسیون‌ها، پیمان‌ها و توافق‌نامه‌هایی که تا هنوز به خاطر حل این بحران روی دست گرفته شده نشان می‌دهد که دولت‌های غربی در زمینه حل این بحران جدی نیستند. جالب این‌که بسیاری از کشورهای بزرگ غربی در پای توافق‌نامه‌های بین‌المللی نظیر پیمان کیوتو امضا نکرده‌اند و صرفاً تا سرحد تأمین منافع‌شان به آن متعهد اند. واقعیت انکارناپذیر این‌که قدرت‌های بزرگ از هم‌چو پیمان‌ها، کنوانسیون‌ها و توافق‌نامه‌ها من‌حیث ابزار در مقابل کشورهای ضعیف استفاده می‌کنند تا هرچه بیشتر در این کشورها تسلط و نفوذ داشته باشند.

اما اسلام قطعاً مخالف هم‌چو عمل بوده و دولت اسلامی حق ندارد تا تابع هیچ کشوری باشد یا این‌که استیلا و تسلط آن‌ها را قبول کند؛ بلکه دولت اسلامی در هر عمل خود مستقل بوده و آزادانه تصمیم می‌گیرد.

چون الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [نساء: ۱۴۱]

ترجمه: هرگز خداوند کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت.

زیرا پذیرفتن تسلط کفار و تابع شدن به پیمان‌ها، کنوانسیون‌ها و توافق‌نامه‌های آن‌ها سبب می‌شود تا مسلمانان به صنایع و پیشرفت‌های صنعتی دست پیدا نکنند؛ چون غربی‌ها به بهانه این‌که دست یافتن به صنعت سبب آلودگی محیط زیست می‌گردد، مسلمانان را

نمی‌گذارند تا به صنایع پیشرفته دست پیدا کنند. پس تسلیم شدن به هم‌چو پیمان‌ها واقعاً که خیانت و جرم بزرگ است؛ چون با این اسلوب غربی‌ها کشورهای ضعیف را تحت فرمان خود در آورده و مانع پیشرفت آن‌ها می‌شوند.

راه حل واقعی بحران‌های جهانی

مشکل اصلی در جهانی‌بینی دولت‌های غربی است که سعادت مادی را هدف قرارداده و به خاطر رسیدن به آن به هرگونه بی‌رحمی دست می‌زنند و سعادت مادی خویش را به قیمت جان دیگران به دست می‌آورند. پس همه‌ای این نابسامانی‌ها، ظلم و بی‌رحمی‌ها برمی‌گردد به جهانی‌بینی غیرانسانی نظام سرمایه‌داری. بناءً دولت‌های غربی هرگز حاضر نیستند تا احساس مسئولیت کنند و به خاطر نجات بشریت دست بکار شوند. آن‌ها حتی آماده نیستند تا فقط از نقطه نظر اخلاقی دست به نجات حیات بشر بزنند و حد اقل به خاطر خودشان جلو لگام ناگسیخته کمپنی‌های‌شان را بگیرند.

پس جهان به شدت از نظریات غیرانسانی جهان‌بینی غرب رنج می‌برد؛ چون این جهان‌بینی اساساً با اکثریت قاطع ارزش‌های انسانی مخالف است و کشورهای غربی چنان از این نظام باطل بهره می‌برند که خون در رگ و پوست بشریت نمانده است. پس جهان کنونی سزاوار این است تا از شر جهانی‌بینی نظام سرمایه‌داری نجات داده شود.

راه حل اساسی و واقعی به بحران محیط زیست و سایر بحران‌ها، محو و سرنگونی جهانی‌بینی غیرانسانی نظام سرمایه‌داری است. همه جهانیان باید یکصدا مخالفت خویش را با نظام سرمایه‌داری ابراز کنند و به بدیلی چنگ بزنند که واقعاً سعادت، رفاه و آرامش بشریت را تضمین می‌کند. تا زمانی که سرنوشت ملت‌ها در دست نظام سرمایه‌داری باشد، بشر هرگز به رفاه و سعادت واقعی دست نخواهد یافت.

پس حزب التحریر من حیث ناجی واقعی بشر اسلام را بحیث بدیل به شما پیشکش می‌کند؛ چون اسلام نظام خالق بشر بوده و قادر به حل تمام مشکلات بشر می‌باشد و هم‌چنان اسلام در طی ۱۳ قرن حاکمیت خود ثابت ساخته است که می‌تواند مشکل بشر را حل نماید. اسلام برای تمام بحران‌های جاری جهان راه حل مشخص و واضح دارد. اسلام

برای سیاست، اقتصاد، اجتماع و محیط زیست راه حل های واقعی و عملی دارد که می تواند به بحران های جاری نقطه پایان بگذارد.

بنائاً تنها راه حل به تمام نابسامانی ها، بحران ها، بی عدالتی های ناشی از نظام سرمایه داری پیروی و تطبیق کامل راه حل های اسلام است و بس. اولین کاری که اسلام می کند این است که بشر را از بردگی و عبادت انسان و نظام های بشری به پرستش خالق بشر برمی گرداند. اسلام عدالت و انسانیت را به انسان برمی گرداند و نظام سرمایه داری را به زباله دانی تاریخ دفن می کند.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [انبیاء: ۱۰۷]

ترجمه: (ای پیغمبر!) ما تو را جز به عنوان رحمت جهانیان نفرستاده ایم.

در فرجام این درخواست را به امت اسلامی راجع می‌سازیم

پس ای مسلمانان!

بشریت برای ۱۳ قرن زیر سایه اسلام در برابری، برادری، رفاه، صلح و صمیمیت زندگی می‌کردند. در تحت چتر نظام اسلام، مسلمانان و غیرمسلمانان با صلح و امنیت زندگی می‌نمودند و تمام ملکیت آن‌ها از هرگونه تعرض و دست برد مصئون بود. اما اکنون شر و فساد در بر و بحر در زمین و آسمان بر انسان و حیوان سایه افکنده و هیچ چیز در امان نیست و این همه از شر نظام سرمایه‌داری است. اسلام کنار زده شده و از تطبیق و حاکمیت آن خبری نیست. پیامبر بزرگوار اسلام - حضرت محمد صلی‌الله علیه وسلم - بشارت داده که وضع این‌گونه دوام نخواهد کرد؛ بلکه الله سبحانه‌وتعالی حاکمیت اسلام را دوباره در روی زمین بازمی‌گرداند و بشریت بار دیگر در زیر سایه اسلام در صلح و صمیمیت و اخوت باهم زندگی می‌کنند و جهان از شر بلاها و آفت‌های نظام‌های بشری نجات پیدا می‌کند. پیامبر صلی‌الله علیه وسلم فرموده که بعد از عصر دیکتاتوری، حاکمیت دوباره به اسلام برگردانیده خواهد شد و خلافت راشده ثانی به نقش قدم نبوت دوباره برپا می‌گردد.

«... ثم تكون خلافة علی منهج النبوة» (رواه احمد)

ترجمه: ... سپس خلافت بر منهج نبوت باز می‌گردد.

بناءً روایت فوق مژده‌ای است به بازگشت دوباره اسلام در صحنه هستی آنگاه است

که بی‌عدالتی و ظلم از جهان رخت می‌بندد.

پس ای مسلمانان!

الله سبحانه و تعالی شمارا از میان همه ای امت ها، بهترین امت روی زمین برگزیده است. الله سبحانه و تعالی در حق شما این گونه فرموده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ
أَمَّنْ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

[آل عمران: ۱۱۰]

ترجمه: شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسان ها آفریده شده اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و به الله ایمان دارید. اگر اهل کتاب (مثل شما به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است (از باور و آئینی که برآیند. ولی تنها عدّه کمی) از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق استند.

بناءً این امتیاز و ویژگی تنها شامل حال شما شده است. پس احساس مسئولیت کنید! بیدار شوید! برای احیای مجدد خلافت راشدۀ ثانی کمر همت ببندید و یکبار دیگر عظمت را به اسلام و مسلمانان بازگردانید. بدانید که بدون بازگشت حاکمیت اسلام، وضعیت رقت بار جهان هرگز تغییر نکرده و بهبود نمی یابد.

پس حزب التحریر مخلصانه از شما دعوت به عمل می آورد تا با این حزب یکجا شوید تا این مسئولیت خطیر را یکجا به دوش کشیم و دست به دست هم داده عظمت را با تاسیس خلافت راشدۀ ثانی به اسلام و مسلمانان بازگردانیم. گواه باشید که خلافت ضامن واقعی خون، مال، جان، عزت، آبرو و محیط زیست شماست. پس تنها خلافت می تواند تمام بحران ها به ویژه بحران محیط زیست را حل نموده و بی عدالتی و ظلم را محو نماید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ

بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [انفال: ۲۴]

ترجمه: ای مؤمنان! فرمان الله را بپذیرید، و دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی بخشد و بدانید که الله میان انسان و دل او جدایی می اندازد که همگان در پیشگاه الله سبحان گرد آورده می شوید.

و من الله توفیق

امت كتاب

www.ummatproduction.com